



باسمه تعالی

گزارش کرسی ترویجی اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی که با حضور ناقدان و علاقمندان به این حوزه در تاریخ ۹۵/۰۴/۱۴ برگزار گردید، در متن ذیل ارائه می‌گردد.

▪ دکتر عساریان نژاد (ناظر محتوایی):

جدا از اینکه کتاب در این جلسه مورد موشکافی قرار می‌گیرد، این کرسی ترویجی چهار هدف را دنبال می‌کند.

الف) در نقد کتاب، معمولاً کتاب‌ها از نظر شکلی، روشی و محتوایی مورد نقادی قرار می‌گیرد اما، در موضوع دفاع مقدس به دنبال این هستیم که آیا نقد از این کتاب موجب می‌شود تا از آن ایده جدیدی یا نگاهی نو برای عصر امروز و آینده در موضوعات دفاعی امنیتی منتج شود یا خیر؟

ب) بعد منصفانه کتاب را نقد می‌کنیم که آیا در موضوع دفاع مقدس به خوبی عمل کرده؟ آیا کتاب دریچه‌هایی برای رفتن به سمت یک رویکرد جدید و یا یک نظریه‌ای برخاسته از دفاع مقدس در زمینه مورد بحث را گشوده است یا خیر؟ آیا چشم-

انداز مورد نظر را توصیف کرده است؟ آیا در توصیف واقعیت‌های جمهوری اسلامی را قرار داده است یا خیر؟

و اکاوی، نوآوری و بازکردن موضوع های جدید برای گام برداشتن به سمت پیروزی، لازم است.

ج) نکته سوم که مورد بررسی قرار می‌دهیم، «قدرت روایی کتاب در دفاع از داده‌ها» است. آیا صرفاً بر اساس یک نگاه ذهنی و بر اساس یک چشم‌انداز بسیار دور به موضوع نگاه کرده و یا با عناصر صحنه، رخدادها، روندها و پیامدهای خود را درگیر کرده و آن‌ها را مورد کالبدشکافی قرار داده است؟ آیا توانسته مزیت‌های حاصله و یا آسیب‌های وارده را مورد نقد قرار بدهد و از دل آن نقد به نگاه خاص خود رسیده باشد؟ آیا ظرفیت این را دارد که بدون آگاهی نویسنده نظریه‌ای تولید کند؟ یا رویکرد جدیدی را عرضه کرده باشد و بدون اینکه مطلع باشد، یک راه جدید یا مسیر جدید برای حرکت به سمت آینده به خوبی ترسیم کرده باشد. اما شرایط آن زمان، فقدان ادبیات و ... مانع از این بوده که این نگاه را بتواند تقویت کند.

د) اما نکته چهارم که در نقد کتاب‌ها به دنبال آن هستیم و معمولاً کمتر به آن توجه می‌شود، در امر دفاع و امنیت همیشه عنصری به نام «حریف» داریم که بر اساس سبک رویارویی با آن تهدیدها را تعریف می‌کنیم و واقعاً دفاع مقدس بر اساس حجم تهدیدی که داشت، توانسته کلماتی مثل «نعمت» را به خودش اختصاص دهد. چون ما با حجمی گسترده از توان فراوانی که در نهادهای کشور در قالب ظرفیت‌های پنهان و قابلیت‌های بسیار در صحنه به خدمت گرفتیم، توانستیم در مقابل آن موج جهانی که تهدیدی برای انقلاب اسلامی بود بایستیم. موضوع بحث این است که آیا کتاب می‌تواند یک الگویی برای دفاع و امنیت کشور در حوزه اقتصادی، اجتماعی و ... در افق مشخصی از آینده ارائه دهد؟ می‌تواند آینده‌ای را ترسیم



کند که در صورت فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و مدنظر قرار دادن آموزش‌ها، مهارت‌ها، روندها و ... یک افق امن را شکل دهد؟ خواهش من این است که این نکات در نقد و ارزیابی بخصوص در بحث محتوایی مورد توجه قرار گیرد.

برای این کار در دانشگاه یک ارزیابی اولیه از کتاب خواهیم داشت که آقای دهنوی فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) این کار را انجام داده‌اند. این یک نگاه طرح‌نامه به کتاب است و از دیدگاه خودش وارد ارزیابی این عرصه شده است. وجود نویسنده و مؤلف کتاب کمک می‌کند تا نقد به سمت انصاف و عقلانیت پیش رود. عزیزانی که به عنوان ارزیاب و ناقد در خدمتشان هستیم، بر اساس مطالعه‌ای که کرده‌اند جدا از بحث شکلی و روشی، انتظار داریم از نظر محتوا نیز عرصه مورد جستجو از دفاع مقدس را برای ما بکشایند و شرایط حرکت به سمت یک فکر نو، یک نظریه جدید و یا یک الگوی موفق در آینده را ترسیم کنند. این هدفی است که دنبال می‌کنیم.

▪ دکتر زین‌الدینی:

بر اساس آیین‌نامه، در ابتدا نویسنده کتاب - جناب آقای رئوفی - در صورت تمایل می‌توانند به صورت اجمالی کتاب خود را معرفی کنند. در ادامه ارائه‌دهنده، آقای دهنوی که از کمیته علمی کرسی‌های نظریه‌پردازی هستند، طرح‌نامه نقد خود را ارائه می‌دهند. بعد از آن ناقدان، آقایان دکتر رضایی و دکتر دری به ترتیب نقد خود را مطرح می‌کنند.

▪ حمیدرضا رئوفی (نویسنده کتاب):

با آرزوی قبولی قبولی طاعات و عبادات در ماه مبارک (رمضان) کلیاتی را پیرامون کتاب مطرح می‌کنم. نگارش کتاب سال ۸۶ شروع شد. در آن زمان بحث‌های دفاع مقدس در زمینه نظامی و عملیاتی وجود داشت اما در مورد اینکه اقتصاد جنگ و مقایسه آمارهای اقتصادی در زمان جنگ یا قبل از آن، طوری که باید در بحث‌های علمی و دانشگاهی پرداخت نشده بود که مرکز اسناد دفاع مقدس این نیاز را مطرح کردند. چون در این زمینه مطلبی تدوین نشده بود، به نوعی نگران بودند و وسواس داشتند و رسالت کار کمی دشوار و حساس بود. بحث کتاب این بود که در ابتدا ادبیات اقتصادی جنگ را مطرح کنیم. و بعد مقایسه‌ای را انجام دادیم که اقتصاد جنگ جهانی دوم را با اقتصاد ایران و عراق در زمان جنگ تحمیلی بخاطر تشابهات ادبیات اقتصادی مورد مقایسه قرار دادیم. بحث دیگر اقتصاد عراق بود که علی‌رغم فقدان آمارهای موجود به طور مختصر به آن پرداخته شد. بحث دیگر مقایسه اقتصاد دوران جنگ با اقتصاد پیش از جنگ بود. اما نکته مهم‌تر که در کتاب به آن پرداخته شده است و قبلاً کمتر به آن پرداخته بودند این بود که در دوره ۸ ساله دفاع مقدس، براساس شوک‌های نفتی سه دوره رکود و رونق را مورد بررسی قرار دادیم.



زمانی که رژیم عراق و کشورهای یاری‌کننده‌اش احساس کردند غلبه نظامی بر قوای جمهوری اسلامی ایران میسر نیست به شیوه‌های متعدد تلاش کردند تا جنبه اقتصادی ایران را فلج کنند. تحریم اقتصادی، خودداری از خرید نفت ایران، واگذاری تجهیزات پیشرفته هوایی و موشکی به عراق برای حمله به پایانه‌ها و تاسیسات نفتی و کشتی‌های حامل کالا و نیز نفت‌کش‌های حامل نفت ایران... از جمله اقدامات ارتش عراق برای انهدام اقتصاد ایران در دوران جنگ بود. اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی و چگونگی اداره اقتصاد کشور در موقعیت‌های بسیار دشوار و بحرانی از مهمترین موضوعات دوران جنگ است که کمتر به آن پرداخته شده است و سازمان‌هایی که مراجع اصلی این موضوع بوده‌اند توجه کافی به آن نکرده‌اند. موارد یاد شده انگیزه‌ای شد تا کتاب پیش‌رو تحت هدایت مرکز اسناد دفاع مقدس به چاپ دوم برسد. البته در نوشتن کتاب، دکتر فرهاد دژپسند نیز سهم ویژه‌ای داشته است. در ادامه اگر توضیحی لازم بود در خدمتتان هستم.

■ مسعود دهنوی (ارائه کننده):

سعی کرده‌ام در قالب یک مرور اجمالی که از کتاب داشتم مباحث خود را در چهار محور ذیل خلاصه کنم: الف) نقد از منظر رهبری، ب) ضرورت بحث اقتصاد دفاع مقدس در این کرسی ترویجی، ج) نقاط قوت و د) نقاط ضعف.

نقد از منظر رهبری

مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، نقد کتاب را جزء کارهای لازم برشمرده‌اند. ایشان در گفتاری اشاره دارند که «در محیط دانشگاه، محیط دانشجویی، نقد منصفانه و متقابلاً نقدپذیری متواضعانه هر دو لازم است». (۱۳۸۶/۰۲/۲۵) همچنین در فراز دیگری اثر نقد را متذکر می‌شوند: «اگر نقد حقیقتاً انجام بگیرد و نقاد بی‌رودربایستی کار نقد را انجام دهد، سطح کارهای فرهنگی ارتقاء پیدا می‌کند.» (۱۳۷۰/۱۲/۰۵) البته ایشان در تعریف منصفانه نقد هم اشاره می‌کنند که: «نقد یعنی عیارسنجی؛ یعنی یک چیز خوب را آدم ببیند که خوب است، یک چیز بد را ببیند که بد است. اگر این شد، آن وقت نقاط خوب را که دید با نقاط بد جمع‌بندی می‌کند. (۱۳۷۷/۱۲/۰۴). بر اساس گفته‌های ایشان بنده هم سعی می‌کنم در نقد خود با تأکید بر نقاط قوت پیشنهاداتی برای تقویت سطح کیفی اثر ارائه کنم.

ضرورت

بحث و ارزیابی کتاب «اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی» از سه منظر ضرورت دارد. اول اینکه همان‌طور که مطالعات دفاع مقدس مورد توجه ویژه هیئت امناء دانشگاه است بررسی و کالبدشکافی کتاب یادشده با توجه به حوزه دفاع مقدس در این ردیف قرار دارد. دومین ضرورت بحث پیرامون این کتاب، مسئله اقتصاد و اهمیت آن است. بخصوص در شرایط کنونی که همچنان دشمنان انقلاب اسلامی در صدد کارشکنی و اخلال در روند پیشرفت اقتصادی جمهوری اسلامی هستند. و



سومین ضرورت این کرسی ترویجی تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر «مسائل اقتصادی» و خصوصاً اقتصاد مقاومتی است. ایشان طی چندین سال متمادی، نام و هدف‌گذاری سال را بر محور مسائل اقتصادی از جمله اصلاح الگوی مصرف، حمایت از تولید و سرمایه ایرانی، جهاد اقتصادی و ... قرار داده‌اند تا امسال که عنوان سال را با تأکید ویژه‌ای «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» برگزیده‌اند. لذا ارزیابی کتاب حاضر می‌تواند در راستای این هدف و ارائه ایده‌ها، پیشنهادات و رویکردهایی که می‌توان از اقتصاد دوران جنگ برای زمان حال داشت استفاده کرد.

نقاط قوت

این کتاب به لحاظ عدم کفایت موضوعات مشابه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و نویسنده کتاب توانسته به خوبی به موضوع اقتصاد در زمان جنگ تحمیلی مبادرت کند.

از نقاط قوت این اثر که پررنگ تر از بقیه موارد است می‌توان به موارد مشروحه ذیل اشاره کرد:

الف) فصل‌بندی جامع کتاب

ب) حجم مناسب مطالب فصول (مطالب مفید است و مخاطب را تشویق به پیگیری تا انتهای کتاب می‌کند).

ج) ادبیات قابل فهم کتاب (ادبیات عمومی و ادبیات تخصصی اقتصاد)

د) مستندسازی کتاب

ه) استفاده از آمارهای واقعی

و) تازگی و نو بودن موضوع کتاب (اقتصاد دفاع مقدس) در زمان انتشار و حتی در زمان حاضر کمتر رقیب موضوعی دارد.

ز) قابل استفاده بودن کتاب در زمان پساجنگ، از این منظر که شباهت عمده‌ای بین «مقاومت اقتصادی در مقابل تحریم‌های اقتصادی» در زمان حال با «مقاومت در زمان هجوم نظامی - اقتصادی» در دوران دفاع مقدس وجود دارد.

ح) قابلیت تعمیم مباحث کتاب به موارد مشابه اقتصاد مقاومتی

نقاط ضعف

کتاب یاد شده دارای نقاط ضعفی است که اگر توسط نویسنده مرتفع گردد می‌تواند تکمیل شده و بیشتر مورد استفاده واقع شود. جهت اصلاح و تکمیل، پیشنهاد موارد زیر می‌گردد:

الف) به اقتصاد پس از جنگ اشاره‌ای نشده و شایسته آن بود که نویسنده به آمارهای زمان پس از جنگ نیز اشاره می‌کرد.

ب) در این کتاب به مباحث دانش و فناوری به صورت کمرنگ اشاره شده است. بهتر است تا مباحث دانش اقتصادی و اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان عنصری تأثیرگذار در روند اقتصادی لحاظ شود.



ج) لازم است مقایسه‌ای مابین اقتصاد زمان صلح با اقتصاد زمان جنگ صورت پذیرد.

د) از نقش مؤثر نیروی انسانی و بهره‌وری آن کمتر گفته شده و به نحوه و چگونگی استفاده از سرمایه اجتماعی در زمان دفاع مقدس و به کارگیری و جابه‌جایی سریع آن به صنعت و تولید کشور اشاره نشده است.

ه) ضمن اینکه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که حضرت آقا در سال ۹۰ ابلاغ کرده‌اند می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد و در ویرایشی جدید از کتاب یا کتابی تکمیل‌کننده و مکمل برای مباحث نظری لحاظ شود.

و) به نظر می‌رسد این نارسایی‌ها و کمبودهای محتوایی کتاب در قالب فصلی که جای خالی آن حس می‌شود می‌توانست تکمیل‌کننده مباحث باشد. فصلی که در آن نویسندگان کتاب با رویکردی عملیاتی و راهبردی به ارائه الگویی در جهت پیشرفت اقتصادی در زمان حاضر بپردازند.

ز) و نکته آخر عملیاتی‌شدن مباحث و نشست‌های علمی است که لازمه آن حضور مسئولان اجرایی در این نشست‌هاست و نام‌گذاری امسال نشان می‌دهد که می‌بایست در کنار کار علمی، امور را به سمت عملیاتی شدن برد و نتایج فعالیت‌های علمی و دانشگاهی که تا به حال شده لازم است تا مورد استفاده قرار گیرد.

▪ دکتر حسین دری نوگورانی (ناقد اول):

نوع مباحث در حوزه اقتصاد دفاع مقدس ایجاب می‌کند که از نویسندگان کتاب برای تهیه و تدوین آن تقدیر و تشکر کرد. با وجود نارسایی‌هایی که در کتاب وجود دارد، در زمان تألیف کتاب توجه منطقی دارد و این کتاب در نوع خود بی‌نظیر است. این کتاب ویژگی‌های خوب یک متن و طریقه ارتباط با مخاطبان عمومی را دارد. اگرچه مخاطب تخصصی کتاب توقع داشت که برخی نارسایی‌ها را نداشت. از جمله اینکه ارجاعات در این کتاب بیشتر به صورت جدول و نمودار بیان شده است و ارجاعات درون متنی هم اندک است ضمن اینکه، مبنای نظری این کتاب برای تحلیل بسیار مختصر می‌باشد.

لازم است از حجم مناسب آن نیز که ۲۱۱ صفحه است یاد کرد. لیکن اگر مخاطب را تخصصی فرض کرده و این کتاب را به عنوان یک کتاب مرجع ارائه نماییم در صورتی که موارد مطروحه به تفکیک موضوع از حیث استان‌ها اشاره می‌شد مطلوب بود. در عین حال اگر ملاحظات جنگ نیز لحاظ می‌شد بهتر بود. به هر حال جنگ با فاصله کمی از انقلاب اتفاق افتاد. اینکه کدام تأثیر بخاطر انقلاب بوده و کدام تأثیر بخاطر جنگ و کدام تأثیر به هر دو بر می‌گردد؟ اولاً تفکیک این‌ها بسیار دشوار است. ثانیاً در نظر نگرفتن این‌ها به طور کلی، باعث می‌شود تحلیل کامل و جامع نباشد. کتاب کمی شبیه ترازنامه و گزارش‌های بانک مرکزی است و کتاب فاقد تحلیل راهبردی است که آقای دهنوی در نقد خود اشاره نکردند. البته آنچه مشکل اساسی تحلیلگران اقتصادی است تحلیل راهبردی در صحنه امنیت ملی است که در این کتاب جای خالی است.



اگرچه آقای دهنوی به کاربرد این کتاب در پسا جنگ اشاره کردند تحلیل اقتصاد جنگ، تحلیل یک دوره کوتاه نیست بلکه تحلیل یک اقتصادی است که واقعیت خودش را تحت یک تهدید خارجی بروز می دهد. به عبارتی اگر کسی می خواهد یک اقتصاد را مورد آزمایش قرار دهد بهترین آزمایشگاه، جنگ است. یعنی یک سیستم تحت فشار واقعیت امر خود را نشان می دهد. اقتصاد هم تحت فشار جنگ واقعیت خود را نشان می دهد. ولی ما از این استفاده نکردیم. خیلی از واقعیت ها می شود فرموله شود و پس از جنگ به کار آید. انصافاً کتاب یاد شده کتاب مناسبی است و جای کتب رقیب خالی است.

■ مسعود دهنوی (ارائه دهنده):

در مورد بحث تحلیل راهبردی که اشاره کردید من هم موافق هستم که جای یک فصل تحت عنوان ارائه الگویی برای بعد اقتصاد پس از جنگ در انتهای کتاب خالی است.

■ دکتر طه رضانی (ناقد دوم):

من به نوبه خودم از تشکر می کنم زیرا تشکیل این جلسات اتفاقات خوبی را رقم می زنند. در سال ۸۳ به لحاظ فقر تحقیقات مناسب راجع به اقتصاد جنگ تحمیلی با خلاء منابع مواجه شدم. کتاب حاضر کتاب ارزشمندی است زیرا در زمان انتشار منابع شسته و رفته ای در این خصوص نداشتیم و این نقطه قوتی برای کتاب محسوب می شود و بیان نکات منفی دلیلی بر شک در نکات مثبت این کتاب نیست. بحث جنگ با جهاد دو مقوله مجزا هستند و باید برای اقتصاد دفاع مقدس مقوله جهاد را در نظر بگیریم. چراکه عقلانیت و انگیزه در نیروی مؤمن و جهادی بیشتر است و تاب آوری بیشتری دارد. از این جهت شاید بشود تحلیل را به گونه ای دیگر پیش برد. از نکات مثبت این کتاب این است که اقتصاد کشور عراق را به خوبی تحلیل کرده است. در این کتاب جای تدابیر حضرت امام (ره) خالی هست. به طور مثال تأکید بر مستضعفین باعث شد که بسیاری از نیروها آماده و پیشرو شوند. هم چنین به نقش بسیج از اقتصاد جنگ پرداخته نشده است. نقطه قوت دیگر کتاب اشاره آن به تقسیم سه دوره اقتصاد ایران به رکود، رونق و مجدداً رکود است. شاید بشود این دوره رونق را به جهاد سازندگی نسبت داد. کاش در آن زمان که کاهش فروش نفت را هم داشتیم به فعالیت های جهاد سازندگی و اقتصاد انقلاب اسلامی اشاره می شد. البته این ضعف رسانه ای ما در روایت فتح اقتصادی ماست. آنچه می بایست به آن توجه می شد این است که اقتصاد جنگ و جنگ اقتصادی با یکدیگر متفاوت هستند. اقتصاد ایران از ابتدای انقلاب مقاومتی بوده است. پرسش من این است که اگر نویسندگان بخواهند راهبرد و دستورالعمل بدهند چه نکاتی را پیشنهاد می دهند؟ نکته دیگر اینکه جایی که به نظام های اقتصادی دو کشور اشاره شد گفته شد که نظام اقتصادی ایران دنبالرو سوسیالیست بوده اما به نظام اقتصادی ایران اشاره ای نشده است اینجا جای قانون اساسی خالی است. یعنی قدرت قانون اساسی به مثابه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران



در این کتاب جایش خالی است. چون همان‌طور که حضرت آقا اشاره کردند همه‌ها از قانون اساسی شروع می‌شود. بهتر بود به قوت‌های قانون اساسی نیز اشاره شود. و بحث دیگر کمبود رویکرد راهبردی در کتاب مشهود است. و آخرین نکته هم اینکه ما در ادبیات جدید اقتصادی، عرصه اقتصاد، را به عرصه «انتخاب» تعبیر می‌کنند. به این وسیله مباحث به شدت از عرصه عینی به عرصه ذهنی راه پیدا می‌کند. و محقق کردن آن ذهنیت‌ها در عرصه عملی «عینیت اقتصادی» می‌شود. به نظر می‌رسد این کتاب بیشتر به عرصه عینی پرداخته و از عرصه ذهنی غافل بوده است. به طور مثال جای تحلیل هزینه‌فرصت در زمان جنگ یا انتخاب‌های جمعی که داشتیم لحاظ نشده است.

■ حمیدرضا رئوفی (نویسنده):

می‌توانیم در فصل پایانی تحلیل راهبردی را اضافه کنیم در ابتدای نگارش این کتاب به اقتصاد کشورهای منطقه در عرصه اقتصادی نیز پرداخته شد که توسط آقای دکتر اردستانی مدیر مرکز مطالعات جنگ حذف شد و ما اقتصاد جنگ را پررنگ‌تر کردیم. اقتصاد مقاومتی هم موضوعی است که باید جداگانه به آن پرداخته شود. اگر بخواهیم از اصطلاح جهاد و غیره در این خصوص استفاده کنیم موضوع اقتصادی را تغییر می‌دهد به اقتصاد اسلامی لذا، سعی کردیم به مقوله اقتصادی صرف بپردازیم ضمن اینکه این کتاب قبلاً نیز دو بار مورد نقد قرار گرفته شده است. در این کتاب سعی کردیم با دادن آمار و نمودارها نقاط ضعف و قوت بیان شود. کنترل تورم نقطه قوت محسوب می‌شود. خاطر نشان می‌گردد مطالب بیان شده در این کتاب در حوزه اقتصاد جنگ است. می‌خواستیم با نگارش این کتاب اعلام کنیم که در چه موضوعاتی ضعیف و در چه موضوعاتی قوی هستیم هرچند در بیان نظریه اقتصادی دچار فقر هستیم و مبنای تئوریک نداریم.